راست و چپ افراطی یعنی چه؛ معیارهای تشخیص کدام است؟

دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ برابر با ۲۰ مه ۲۰۲۴

حنیف حیدرنژاد- اخیرا در رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور در مباحث یا نوشته‌های مختلف از اصطلاح راست یا چپ افراطی بسیار استفاده می‌شود. این تعاریف تا کجا دقیق است؟ معیارهای تشخیص اینکه یک فرد یا نیرو یا یک حزب سیاسی راست یا چپ و یا راست افراطی و چپ افراطی می‌باشد، چیست، مسئولیت چنین تشخیصی با کیست یا با کدام نهاد است؟!

»راست» و «چپ» از کجا می‌آیند؟

سابقه واژه راست و چپ در فرهنگ سیاسی به چینش صندلی‌های مجلس نمایندگان فرانسه در سال ۱۸۱۴ برمی‌گردد. اگر از سمتِ رئیس جلسه به سالن نگاه شود، در سمت چپ، احزابی نشسته بودند که به دنبال تغییرات سیاسی و اجتماعی بودند (رادیکال). در سمت راست، احزابی بودند که می‌خواستند اوضاع را حفظ کنند (محافظه‌کار).

امروزه از اصطلاح «راست» و «چپ» برای توصیف دیدگاه‌های سیاسی یک فرد، یک گروه، یک جریان یا یک حزب سیاسی استفاده می‌شود. با این دسته‌بندی، مدعیانِ مختلف از رقیبان‌شان قابل تشخیص می‌شوند.

در کشورهای دموکراتیک معیارهای این نامگذاری می‌تواند با هم متفاوت باشد، در عین حال ویژگی‌های مشترکی نیز وجود دارد که کم و بیش در همه کشورهای دموکراتیک یکسان یا خیلی بهم نزدیک هستند.

نوشته حاضر در بخش اول با نگاهی به آلمان به توضیح این مفاهیم در عرصه سیاست این کشور می‌پردازد. در بخش دوم اهمیت این موضوع در ارتباط با ایران و نیروهای سیاسی- اجتماعی ایرانی توضیح داده می‌شود.

بخش اول
نگاهی به نمونه آلمان

امروزه نمی‌توان به سادگی یک حزب و جریان را «راست» یا «چپ» نامید، زیرا استاندارد، معیارها و مصادیق یکسانی که همه بر سر آن توافق داشته باشند وجود ندارد. بر این اساس ممکن است یک حزب خود را چپگرا معرفی کند، در حالی که رسانه‌ها همان حزب، یا سیاست مشخصی از آن حزب را در سمتِ سیاسی متفاوتی می‌نشانند. با اینهمه در کشورهای دموکراتیک یک تفاهم نانوشته در مورد یک دسته‌بندی کلی در مورد چپ و راست سیاسی وجود دارد.

در نمودار زیر در درجه‌بندی از صفر تا ۱۰ (صفر کمترین و ۱۰ بیشترین نزدیکی یا دوری)، موقعیت احزاب آلمان و میزان راست، میانه و چپ بودن آنها مشخص شده است. در سمت بالا موقعیت بر اساس ادعای خود احزاب و در

سمت پائین موقعیت احزاب بر اساس درکِ مردم از آن احزاب مشخص شده است:.

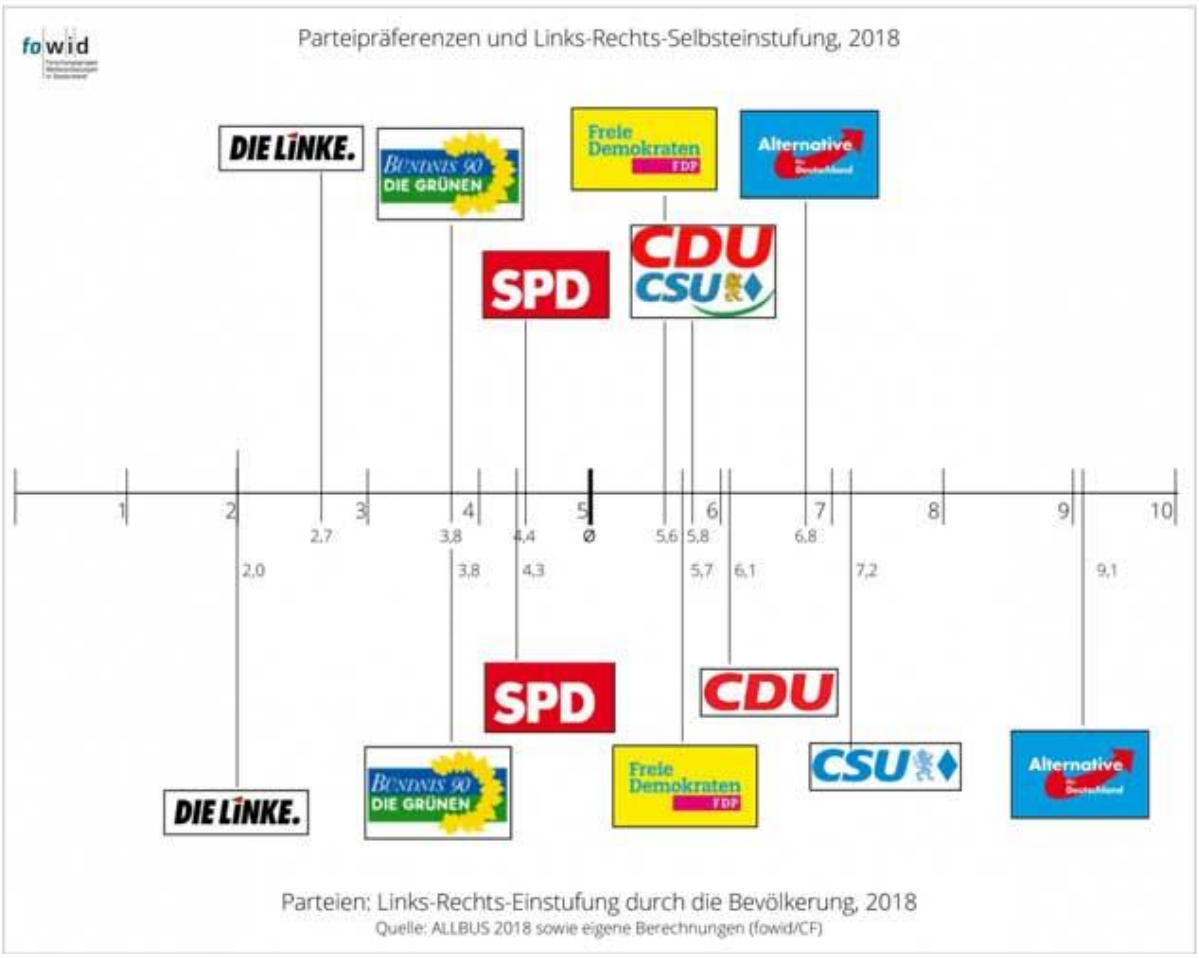

منظور از «چپ» در دنیای امروز چیست؟

سیاست «چپ» عموماً مترادف با پیگیری برابری و عدالت اجتماعی است. در این تفکر، جمع بر فرد ارجحیت داشته و بر همین اساس منافع و آزادی‌های عموم مردم بر آزادی فردی اولویت دارد. الیزابت نوئل- نویمان Elisabeth Noelle-Neumannاز دانشمندان علوم اجتماعی در حوزه ارتباط بین انسان‌ها و پژوهشگر سنجش آراء بر این باور است که مردم ارزش‌های «چپ» را نه تنها با برابری، بلکه با عدالت، غیررسمی بودن، نزدیکی و صمیمیت نسبت به دیگران، خودانگیختگی، همبستگی جهانی و دیدگاه جهان‌وطنی می‌شناسند. آنها در صحبت کردن، همدیگر را «تو» خطاب می‌کنند.

احزاب «چپ»، طیفی از باورها و برنامه‌های متفاوت از همدیگر را نمایندگی می‌کنند که در یک دسته‌بندی عمومی از آنها با عنوان «چپ» میانه یا لیبرال، «چپ» پوپولیست و «چپ» رادیکال نام برده می‌شود.

همچنین در داخل احزاب «چپ» نیروهائی با تمایلات مختلف در رقابت با هم هستند که به آن جناح یا فراکسیون گفته می‌شود. آنها در تلاشند تا در رقابت‌های درون حزبی، اکثریت آرا را به دست گرفته تا بتوانند سیاست‌گذاری‌های کلان حزب را تعیین کنند.

منظور از «راست» در دنیای امروز چیست؟

در مقابل اندیشه «چپ»، اندیشه «راستِ» سیاسی فرض را بر این می‌گذارد که مردم نابرابر هستند. این اندیشه مدافع سلسله مراتب اجتماعی بوده و از ارزش‌ها و هنجارهای سنتی دفاع می‌کنند. در نزد «راستِ» سیاسی، آزادی فردی مهمتر از برابری اجتماعی است. به گفته الیزابت نوئل- نویمان، مردم ارزش‌های دست راستی را با تأکید بر تفاوت‌ها،

فاصله‌گیری اجتماعی، اِعمال اقتدار، نظم و انضباط و ملی‌گرائی می‌شناسند. آنها عموما همدیگر را «شما» خطاب می‌کنند.

نیروهای «راست» به عنوان محافظه‌کار هم شناخته می‌شوند. احزاب «راست» طیفی از باورها و برنامه‌های متفاوت با همدیگر را نمایندگی می‌کنند که در یک دسته‌بندی عمومی از آنها با عنوان «راست» میانه و «راست» پوپولیست نام برده می‌شود.

همچنین در داخل احزابِ «راست»، نیروهائی با تمایلات مختلف در رقابت با هم هستند که به آن فراکسیون گفته می‌شود. آنها در تلاشند تا در رقابت‌های درون حزبی، اکثریت آرا را به دست گرفته تا بتوانند سیاست‌گذاری‌های کلان حزب را تعیین کنند.

»میانه» چیست؟

میانه‌روی یک مشی سیاسی است که بین مواضع «چپ» و «راست» قرار دارد. در آلمان احزاب بزرگ مانند حزب سوسیال دموکرات SPD و حزب دموکرات مسیحی CDU اصرار دارند با استفاده از واژه «میانه»، خود را مدافع میانه‌روی نشان داده تا بخش بزرگتری از جامعه و رای‌دهندگان را به سمت خود بکشانند.

»راست افراطی» چیست؟

راستگرایان افراطی می‌خواهند دموکراسی را از بین ببرند. آنها تمامیت‌خواه هستند، با تقسیم قدرت سیاسی با دیگر احزاب مخالف و خواهان قبضه کامل قدرت تنها در دستان خودند. برای آنها فقط «ملت» خودشان مهم است. خودی و غیرخودی می‌کنند. خارجی‌ها و افرادی را که متفاوت فکر می‌کنند طرد ساخته و آماده اِعمال خشونت کلامی و فیزیکی علیه آنها هستند. آنها برابرحقوقی همه مردم را زیر سوال می‌برند. در آلمان برای رسیدن به هدف خود و متقاعد کردن مردم به ایدئولوژی خود، اغلب از تئوری‌های توطئه استفاده می‌کنند که با فاشیسم و ناسیونال سوسیالیسم (حزب نازی‌ها) مرتبط است. از گروه‌های افراطی «راست» به عنوان نئونازی، یعنی «ناسیونال سوسیالیست‌های جدید» یاد می‌شود.

افراطگرایی «راست» یک نگرش سیاسی است که فرض می‌کند مردم اساساً برابر نیستند و خشونت وسیله قابل قبولی برای حل منازعات است. گروه‌های افراطی راست متعددی وجود دارد که وجه مشترک آنها ضدیت با دموکراسی است. آنها مواضع بیگانه‌هراسی را نمایندگی می‌کنند، اغلب علیه ادیان خاص (به ویژه یهودیت و اسلام) و اغلب نیز علیه «اقلیت»های اجتماعی هستند. آنها از برخی اهداف ناسیونال سوسیالیسم (دوره حاکمیت هیتلر) دفاع می‌کنند.

»راست افراطی» و اهدافش

افراطگرایان «راست» فرض می‌کنند که تعلق به یک قوم یا ملت ارزش واقعی یک فرد را تعیین می‌کند. این درک از ارزش‌ها با ارزش‌های بنیادین «نظم اساسی آزاد و دموکراتیک» در تضاد است و بنابراین در تضاد با قانون اساسی آلمان است. ناسیونالیسم و بدخواهی‌های مرتبط با نژادپرستی و یهودی ستیزی مشخصه تحریکات افراطی راست است. بسیاری از افراط گرایان راست از ناسیونال سوسیالیسم تاریخی (دوره حاکمیت هیتلر) تمجید می‌کنند.

یهودستیزی را می‌توان در همه زمینه‌های افراطگرایِ دست راستی یافت که خود را به طرق مختلف بیان می‌کند. به عنوان مثال: در ایده یک توطئه مخفیِ جهانیِ یهودیت یا در ایده مسئول دانستن یهودیان بطور جمعی برای اقدامات دولت اسرائیل.

افراطگرایان «راست» معمولاً درک مستبدانه‌ای از دولت نیز دارند و این اغلب با رد تفکیک قوا که در دموکراسی‌ها رایج است همراه می‌شود.

»چپ افراطی» چیست؟

»چپگرایان» افراطی نیز نظم دموکراتیک را رد می‌کنند و در عوض خواهان یک سیستم «غیردولتی» هستند. آنها اهدافی کاملاً متضاد با راستگرایان افراطی را دنبال کرده و خود را نیروئی «ضد فاشیسم» معرفی می‌کنند. «چپ»

افراطی بر این ایده استوار است که نظام سیاسی موجود مردم را استثمار و سرکوب می‌کند. هدف نهایی افراطگرایان «چپ» مبارزه با این «استثمار» و «ستم» است– حتی با خشونت.

»چپ افراطی« و اهدافش

افراطگرائی «چپ» مفهومی است در تعریف تلاش‌هائی که اصل «نظم اساسی آزادی و دموکراتیک» را در آلمان نفی کرده و مبتنی بر مطلق‌سازی ارزش‌های آزادی و برابری (اجتماعی) است، ایده جایگزین آنها آنارشیسم و کمونیسم است.

افراطگرایان «چپ» می‌خواهند نظم دولتی و اجتماعی موجود و در نتیجه «نظم اساسی آزاد و دموکراتیک» را از بین ببرند. بسته به جهت‌گیری ایدئولوژیک، این هدف باید با یک سیستم کمونیستی یا یک جامعه آنارشیستی «غیردولتی» جایگزین شود. در بین گروه‌های مختلف «چپ» توافق وجود دارد که باید با «سرمایه‌داری» به عنوان «ریشه همه شرّ» مبارزه شود تا از بین برود.

افراطگرایان چپ، «سرمایه‌داری» را به معنای وحدت جدایی‌ناپذیر یک سیستم مالکیتِ مبتنی بر بازار و یک دولت قانون اساسی دموکراتیک می‌دانند. از نظر آنان چنین سیستمی تنها در خدمت ایجاد شرایط استثمار و ستم است.
بنابراین «سرمایه‌داری» با ایده جامعه مبتنی بر آزادی و برابری که آنها خواهانش بوده و قرار است رفاه همه مردم را تامین کند ناسازگار است.

از دیدگاه افراطگرایان «چپ»، غلبه ناگزیر بر «سرمایه‌داری» را نمی‌توان از طریق اصلاحات سیاسی به دست آورد، بلکه تنها از طریق سرنگونی دولت فعلی و نظم اجتماعی حاصل می‌شود. برای این منظور، افراطگرایان «چپ» بطور کلی آماده استفاده از خشونت هستند.

*****

در آلمان اصطلاح «چپ»- «چپ افراطی»، «راست»- « راست افراطی » یا «میانه» هنوز هم بحث برانگیز است. با این حال، جریان‌های اساسی چپ، راست و میانه‌ی سیاسی با دموکراسی و قانون اساسی این کشور سازگار بوده، آن را پذیرفته و خود را پایبند به آن می‌دانند. «افراطگرایان» راست و چپ اما ضد دموکراتیک و ضد قانون اساسی هستند؛ به ندرت گروه‌ها یا افرادی خود را با عنوان راست یا چپ افراطی معرفی کرده یا چنین نامگذاری را در مورد خودشان می‌پذیرند. نظر به آنچه گفته شد، این سوال پیش می‌آید که معیار تشخیص راست و چپ افراطی چیست و مسئولیت تشخیص آن با چه ارگان یا نهادی است.

معیار تشخیص

وزارت کشور فدرال آلمان سالانه از طریق «اداره حفاظت از قانون اساسی» گزارشی تهیه می‌کند. این گزارش اقدامات و خطرات چپ و راست افراطی را جداگانه بررسی می‌کند.

احزاب دست راستی یا دست چپی در آلمان گاهی به عنوان رادیکال‌های راست یا چپ نیز شناخته می‌شوند. اما تا زمانی که در چهارچوب قانون اساسی آلمان عمل کنند آزاد هستند. اما آندسته از احزاب راست یا چپ افراطی که می‌خواهند بخش‌های اساسی قانون اساسی آلمان را لغو کنند، تحت نظر اداره حفاظت از قانون اساسی قرار دارند و اگر لازم شود می‌توان طی یک فرایند قانونی فعالیت آنها را ممنوع اعلام کرد.

»افراطگرائی« چیست؟

اصطلاح افراطگرایی از کلمات لاتین «extremus» و «extremitas» گرفته شده است. واژه اول به معنای:
افراطی، دورترین، بدترین، خطرناک‌ترین و حقیرترین است. واژه دوم بیرونی‌ترین نقطه یا حاشیه معنی می‌دهد. وقتی اصطلاح «افراطگرایی» بیان می‌شود، معمولاً بر اساس معیارهائی است که «اداره فدرال حفاظت از قانون اساسی» آلمان مشخص کرده است. افراطگرایی را به عنوان یک اصطلاح حقوقی نمی‌توان در یک قانون یا حتی در قانون اساسی یا در یک حکم یافت و در علوم سیاسی این به معنای نگرش‌ها و الگوهای نوعی رفتار سیاسی است. چنین دسته‌بندی فقط کمک می‌کند تا جهت‌گیری‌های سیاسی احزاب و نیروهای سیاسی بهتر تشخیص داده شود.

»اداره حفاظت از قانون اساسی آلمان» در ضرورت تعریف راست و چپ افراطی تاکید دارد که «این امر برای جلوگیری از تلاش‌هائی علیه نظم اساسی آزاد و دموکراتیک، موجودیت و امنیت دولت فدرال یا یک ایالت است». تعیین این عنوان از سوی اداره حفاظت از قانون اساسی بر این ایده مبتنی است که مؤلفه‌های مرکزی نظم دموکراتیک و دولت در میانه طیف سیاسی قرار دارند و تهدیدات شدیدی که آنها را به خطر می‌اندازد از دو سرِ طیف افراطگرائی می‌آیند. یک قطب به عنوان افراطگرایی چپ و دیگری به عنوان افراطگرایی راست تعریف می‌شود. بنابراین، در درک رسمی، عنوان «افراطگرایی» از یکسو در خدمت شناسایی یک رفتار و اقدام مشخص توسط قوه مجریه، به ویژه مقامات اداره حفاظت از قانون اساسی است و از سوی دیگر، این اصطلاح یک درک عمومی برای آشنائی با افراطگرایی جناح چپ و افراطگرایی جناح راست میسر می‌سازد.

طبق گزارش «اداره حفاظت از قانون اساسی آلمان» چپ‌های افراطی می‌خواهند بجای نظم دولتی و اجتماعی موجود، یک جامعه سوسیالیستی یا کمونیستی یا یک جامعه آنارشیستی «غیردولتی» ایجاد کنند و کنش‌های سیاسی خود را به سمت ایدئولوژی‌های مارکسیستی یا آنارشیستی انقلابی سوق می‌دهند. به باور «اداره حافظت از قانون اساسی آلمان» سازمان‌های مارکسیستی انقلابی بر مفاهیم سنتیِ مبارزه طبقاتیِ درازمدت تکیه می‌کنند. آنها تصویر خودمختار با ایده زندگی آزاد و خودمختار در فضاهای «بدون سلطه» دارند و بر این اساس، هر شکلی از نظم و هنجارهای دولتی یا اجتماعی را مردود می‌دانند. آنها خواهان تغییر انقلابی نظام دموکراتیک (سرمایه‌داری) بوده و «نگرش فعالانه مبارزاتی و تهاجمی نسبت به نظم موجود» را دنبال می‌کنند.

با معیارهای «اداره حفاظت از قانون اساسی آلمان» افراطگرائی راست علیه برابری اساسی افراد، مندرج در قانون اساسی فعالیت می‌کند و اعتبار جهانی حقوق بشر را رد می‌کند. راست افراطی مخالف «نظم اساسی آزاد و دموکراتیک» و مخالف دولت دموکراتیک و قانون اساسی است. آنها به درک اقتدارگرایانه از دولت باور داشته و ضد کثرت‌گرایی هستند.

افراطگرایی راست به مجموعه‌ای از نگرش‌ها، رفتارها و اَعمال سازمانیافته یا غیر سازمانیافته‌ای اطلاق می‌شود از جمله:

- به نابرابری اجتماعی نژادی یا قومی‌بین مردم باور دارد،
- خواستار یکسان‌سازی اخلاقی مردم بوده و الزام به پذیرش برابری همه انسان‌ها مطابق اعلامیه حقوق بشر را رد می‌کند،
- بر اولویت فرد نسبت به جامعه تاکید دارد،
- بر پیروی شهروندان از حاکمیت تاکید داشته و حاکمیت را محق می‌داند آنجا که صلاح تشخیص دهد برخی حقوق بنیادی شهروندان را زیرپا گذارد،
- تکثر ارزش‌های لیبرال دموکراسی و «نظم اساسی آزاد و دموکراتیک» را رد می‌کند و خواهان برچیده شدن نهادهای دموکراتیک است.

وقتی در آلمان از پایبندی به «نظم اساسی آزاد و دموکراتیک» سخن گفته می‌شود، منظور اصول مشخصی است که توسط «دادگاه قانون اساسی فدرال» نام برده شده است و پذیرش و پایبندی به هشت مورد زیر را شامل می‌شود:

- حقوق بشر،
- حاکمیت ملی یا حاکمیت مردم،
- جدایی و استقلال سه قوه،
- مسئولیت دولت،
- قانونی بودن دستگاه اداری،
- استقلال دادگاه‌ها،
- اصل چند حزبی،
- فرصت‌های برابر برای احزاب از جمله آزادی مخالفت احزاب اپوزیسیون.

*****

نتیجه

مفهوم «راست و چپ» یا «راست و چپ افراطی» در فرهنگ سیاسی بسته به دوره زمانی، جامعه و حساسیت‌های تاریخی- اجتماعی هر جامعه می‌تواند متفاوت باشد. در آلمان حمل تصویر یا پرچم صلیب شکسته که نماد نازی‌ها است ممنوع، اما در ایالات متحده آمریکا آزاد است. در آلمان در سال ۲۰۲۴ بیورن هوکه از رهبران حزب راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» به خاطر سردادن شعار «اول آلمان» در یک سخنرانی به دادگاه کشیده و متهم به پرداخت جریمه نقدی شد، زیرا این شعار از شعارهای نازی‌ها در زمان هیتلر محسوب می‌شود. در ایالات متحده آمریکا اما شعارِ «اول آمریکا»، شعار اصلی مبارزه انتخاباتی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ بود.

تشخیص راست و چپ، و راست و چپ افراطی نیاز به یک «معیار» داشته و یک نهاد رسمی باید بتواند برابرِ قانون و از طریق جمع‌آوری فاکت، مصادیق «افراطگرائی» را تشخیص دهد. این روند در هر کشور متفاوت از دیگر کشورهاست و قانون مشخص می‌کند با چنین نیروهائی چه باید کرد.

در آلمان «قانون اساسی» به عنوان «معیار» در مرکز قرار گرفته و چپ یا راست بودن احزاب و نیروهای سیاسی به میزان دوری یا نزدیکی به آن سنجیده می‌شود. اصل اساسی در سنجش این موضوع، پایبندی به دموکراسی و حاکمیت قانون، پذیرش رواداری و احترام به کرامت انسانی، حقوق بشر، برابرحقوقی همه انسان‌ها و پرهیز از خشونت کلامی یا فیزیکی در حل اختلافات است. این مفاهیم در اصل «نظم اساسی آزاد و دموکراتیک» خلاصه شده است. اشخاص، نیروها و احزابِ پایبند به این اصل، نیروهای «دموکراتیک» محسوب می‌شوند.

اشخاص، نیروها و احزابی که اصل «نظم اساسی آزاد و دموکراتیک» را نپذیرفته و بر ضد آن عمل کنند، «ضد دموکراتیک» و «افراطی» محسوب می‌شوند. این نیروها به دلیل «افراطگرائی» و بسته با ماهیت مواضع‌شان «راست یا چپ افراطی» نامیده می‌شوند. در چنین حالتی این نیروها تحت نظر نهادهای اطلاعاتی- امنیتی قرار گرفته و در صورت لزوم فعالیت‌شان از طریق راهکارهای قانونی ممنوع اعلام می‌شود. احزاب «دموکراتیک» هرگونه رابطه، همراهی، همکاری یا ائتلاف با نیروهای «افراطی» و «ضد دموکراتیک» را رد می‌کنند.

مشخصه‌های افراطگرائی

مشخصه اصلی افراطگرائی، چه راست چه چپ، «ضد دموکراتیک» بودن آن است. نمودهای افراطگرائی در سیاست‌گذاری، رفتار و اَعمال متفاوت آنها بروز پیدا کرده و بسته به اینکه آن فرد یا نیرو، قدرت را در تصاحب داشته یا خارج از قدرت باشد، شدت و ضعف بروز آن می‌تواند متفاوت باشد. مهمترین نشانه‌های نیروهای افراطی (چه راست چه چپ) را می‌توان از جمله چنین برشمرد:

- ضد دموکراتیک بودن، خواهان برچیده شدن نهادهای دموکراتیک،
- خودبرتربینی، خودحق‌پنداری،
- تمامیت‌خواهی، اقتدارگرائی، توتالیتاریسم، فاشیسم،
- شخصیت‌پرستی، دامن زدن به تقدس‌گرائی شخصیت‌های خاص،
- خودی و غیرخودی کردن،
- اتهام‌پراکنی بی‌پایه و اساس علیه مخالفان،
- پایمال کردن کرامت انسانی، انسانیت‌زدائی از مخالفان، حذف دیگران، تحقیر مخالفان،
- شایعه‌پراکنی و تولید تئوری‌های توطئه، حاشیه‌سازی‌ها و دشمن‌تراشی‌های کاذب برای فریب پیروان خود یا مردم،
- عدم شفافیت، عدم پاسخگوئی به مردم و بستن راه کنترل و حسابرسی از خود،
- ضدیت با رواداری و پلورالیسم،
- خشونت‌گرائی هم در کلام و هم بطور فیزیکی، ترور شخصیت برای حذف مخالفان، حذف فیزیکی مخالفان از طریق ترور یا اعدام (اگر در قدرت باشند)،
- سرکوب سیاسی- فرهنگی- اجتماعی و سرکوب هر نوع آزادی به ویژه آزادی بیان و رسانه‌ها (زمانی که در حاکمیت هستند)،
- قانونگریزی، فراقانونی عمل کردن، بی‌اعتنائی و از بین بردن استقلال سه قوه مقننه- مجریه و قضائی و تحکیم

حاکمیتِ نهادهای اطلاعاتی- امنیتی و رهبر حکومت بر آنها، پرونده‌سازی علیه مخالفان، دستگیری و زندان و شکنجه مخالفان (زمانی که در حاکمیت هستند)،
•تبعیض نهادینه و رانتخواری، فساد ساختاری (زمانی که در حکومت هستند)،
•یهودستیزی و ضدیت با گروه‌های خاص اجتماعی مانند خارجیان، همجنسگرایان و اِل جی بی تی‌ها (این مورد به ویژه از مشخصه‌های راست‌های افراطی است)،

و...

پیروان و باورمندان به افراطگرائی (چه راست چه چپ) همین الگوهای رفتاری را در ابعاد کوچکتری در زندگی و تعاملات روزمره خود با مردم بروز داده یا به کار می‌گیرند. نمونه‌های تاریخی چه در مورد راست افراطی (هیتلر، موسولینی، پینوشه) یا در مورد چپ افراطی (استالین، پُل پُت، مائو، کیم جون اُنگ- رهبر کره شمالی) نشان می‌دهند که در صورت تصاحب قدرت سیاسی، چگونه آنها می‌توانند در ابعاد باورنکردنی دست به جنایت، سرکوب و فریبکاری و حذف دیگران بزنند.

با وجود مشابهت در روش‌ها که در بالا به آن اشاره شد، راست افراطی برای کسب یا حفظ قدرت برای بسیج مردم، بیشتر بر ملی‌گرائی و سنت‌های ملی- تاریخی تمرکز کرده و پروا ندارد که با کوبیدن بر طبل برتری‌طلبی ملی، به تهیج احساسات مردم دامن بزند. چپ افراطی اما برای کسب یا حفظ قدرت و برای جذب یا بسیج مردم بر ایده‌های جهان‌وطنی و همبستگی انترناسیونالیستی تمرکز کرده و مدینه فاضله‌ای را بشارت می‌دهد که در آن عدالت و برابری حاکم است. بخشی از چپگراها و به ویژه چپ افراطی به نام حمایت از محرومین و ستمدیگان، همسوئی و همکاری‌های تاکیتیکی با اسلامگرایان تروریست داشته یا از آنها حمایت می‌کنند.

آنچه در پسِ شعارهای عوام‌فریبانه هر دو گروه افراطگرایان می‌توان دید این است که آنجا که لازم شود می‌توانند به راحتی، منافع ملی را در پای منافع نظام، حزب یا گروه خود قربانی کنند.

*****

بخش دوم
»راست و چپ افراطی» در ارتباط با نیروهای سیاسی- اجتماعی ایرانی

نگاهی به نمونه آلمان در بخش اول مشخص می‌کند که برای تعیین «افراطی» بودن یک شخص، یک نیرو، یک حزب یا یک جریانِ سیاسی- اجتماعی سه چیز لازم است:

اول: داشتن یک معیار (قانون اساسی)،
دوم: وجود یک نهاد که وظیفه دارد بر مبنای قانون و بطور حرفه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات از اشخاص، نیروها و احزاب مختلف پرداخته تا از طریق انطباقِ اطلاعات و فاکت‌های جمع‌آوری شده با قانون اساسی مشخص کند آیا اتهام افراطگرائی قابل تائید است (در آلمان این مسئولیت با اداره حفاظت از قانون اساسی است).
سوم: ضرورت توافق و درک عمومی در مورد تعاریف و مفاهیم مربوط به «راست و چپ افراطی». چنین امری از طریق آموزش عمومی و آشنائی آنها با روح قانون اساسی و جلب اعتماد عمومی نسبت به سازمان‌های دولتی که در این زمینه کار می‌کنند امکانپذیر است.

یک ضعف ساختاری

نیروهای سیاسی- اجتماعی ایرانی در داخل یا خارج از کشور که علیه رژیم حاکم مبارزه می‌کنند از ساختار و چهارچوبی که بتوان بر مبنای آن به تعیین دقیق «افراطی» بودن یک شخص، یک جریان یا یک حزب سیاسی نظر داد، برخوردار نیستند. ایرانیان در داخل یا خارج کشور امکان ایجاد ساختاری که در بالا به آن اشاره شد (نمونه آلمان) را نیز ندارند. در چنین وضعیتی به نظر می‌رسد جدا از دعوا بر سر اینکه چه کسی یا نیروئی «چپ افراطی» یا «راست افراطی» است، باید قبل از هر چیز بر سر ایجاد یک «ساختار» توافق پیدا کرد، ساختاری که بتوان آنرا «معیار» قرار داده و بسته به میزان دوری یا نزدیکی به آن، «افراطی» بودن را تشخیص داد.

به باور نگارنده در شرایط کنونی زمانی می‌توان «افراطی» بودن یک شخص یا یک نیرو را مشخص کرد که پیش از آن یک «پیمان‌نامه و یک سند پایه‌ای» تنظیم و جمعی از اشخاص و نیروها و احزاب ضد جمهوری اسلامی آن را امضا و تعهد خود به آن را اعلام کرده باشند. تنها در چنین صورتی است که می‌توان بسته به میزان دوری یا نزدیکی به این سند، «افراطگرائی» را تعریف و مشخص نمود.

لازمه پیشبرد امر مبارزه با حکومت اسلامی حاکم بر ایران پایبندی به توافق‌ها و قرار و مدارهای مکتوب است. در امر مبارزه، به ویژه در صورت همکاری دستجمعی چند شخصیت، نیرو یا حزب سیاسی همه کارها و مسئولیت‌ها باید کتبی مشخص و آئین‌نامه‌های آن نوشته و مشخص باشد. تنها در صورتی که چنین مبانی مکتوبی وجود داشته باشد می‌توان فرد یا افرادی را که در یک گروه عضو هستند یا طرفداران آن را به نقض توافقات یا افراطی‌گری متهم کرد. تا زمانی که چنین مبنای مکتوب و مورد توافق در بین یک گروه یا گروه‌ها وجود نداشته باشد اتهام زدن در مورد راست یا چپِ افراطی، پایه و اساس دقیقی نداشته و نوعی برچسب یا دشنام محسوب می‌شود.

اهمیت کار جمعی بر اساس توافق‌های مکتوب

به دلیل عدم تجربه کار حزبی یا کار سازمانی و تشکیلاتی در بین فعالین سیاسی- اجتماعی ایرانیان و به دلیل آنکه چنین فعالیت‌هائی اغلب در جمع‌های بسته چند ده نفره انجام شده، کار آئین‌نامه‌ای و مکتوب و پایبندی به آن ناشناخته یا غیرمعمول است. حال آنکه «کار»ی جدی‌تر از مبارزه و گذار برای عبور از جمهوری اسلامی و پایه‌ریزی برای ساختنِ یک ایران آزاد وجود ندارد. چنین کاری با جان و اعتماد انسان‌ها سر و کار داشته و برای آنکه بتوان با کمترین هزینه به نتیجه رسید، همه اشخاص، نیروها و احزابِ دموکراتیک که خود را متعهد و مسئول به چنین مبارزه‌ای می‌دانند باید بجای دعوا و بهم پریدن و دیگری را مقصر جلوه دادن، بپذیرند که لازم است جدی، دقیق و منضبط کار کرده و بپذیرند لازمه یک مبارزه جدی، پایبندی به مکتوب کردن همه تلاش‌ها و تنظیم آئین‌نامه و مقررات است. در چنین حالتی با داشتن پایه و اساسِ محکمی که مورد توافق همه نیروها و گروه‌های عضو آن گروه هستند، می‌توان افراطگرائی را هم تعریف کرد و پیشدستانه جلوی آن را گرفت.

ضرورت تدوین یک پیمان‌نامه

برای آنکه بتوان با تمرکز بالا، هرچه قوی و موثرتر مبارزه با جمهوری اسلامی را پیش برد و برای آنکه بتوان از درگیرهای فرسایشیِ روزانه بر سر موضوعات تفرقه آفرین و حاشیه‌ساز پیشگیری نمود، لازم است «پیمان‌نامه»ای تنظیم گردد. این پیمان‌نامه را می‌توان پیمان نجات ایران یا پیمان‌نامه ایران نوین، یا پیمان‌نامه ایران آزاد، یا... نامگذاری کرد. این پیمان می‌تواند حاوی سندهای مختلف باشد که به مرور زمان می‌توان با افزودن سندهای جدید بر اساس نیازهای روز، آن را تکمیل نمود. سند اول می‌تواند «سند اصول مشترک» باشد.

اصول حداقلی و پایه‌ای مشترک و مورد قبول

این اصول، اصول پایه‌ای و حداقلی است که می‌تواند مبنای تفاهم مشترک اشخاص، نیروها و احزاب مختلف دموکراتیک قرار گیرد. باور به این اصول می‌تواند پایه نزدیکی، همسوئی، همکاری و نهایتا ائتلاف‌های مقطعی نیروهای مختلف سیاسی باشد که اگر بر سر آن به توافق برسند، می‌توانند جمع یا گروهی را تشکیل و آن را اعلام کنند.

مهمترین اصول حداقلی و پایه‌ایِ مشترک عبارتند از:

- نجات ایران و برتر دانستن منافع ملی بر منافع فردی و حزبی و گروهی
- تمامیت ارضی ایران و رد هرگونه تجزیه‌طلبی، پذیرش نظام سیاسی غیرمتمرکز
- اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی مرتبط با آن
- کرامت انسانی و رد هرگونه تبعیض و تحقیر، برابرحقوقی همه شهروندان
- اصول و ارزش‌های دموکراتیک (حاکمیت قانون، تفکیک قوای سه‌گانه، تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی)
- سکولاریسم و جدائی دین از حکومت

•صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی، همزیستی مسالمت‌آمیز و برابرحقوقی با همه کشورها
•ایران بدون سلاح هسته‌ای

صندوق رای و حاکمیت مردم (با حفظ باورهای سیاسیِ شخصی- حزبی و گروهی، پذیرش تعیین شکل نظام سیاسی آینده ایران از طریق صندوق رای و مجلس موسسان منتخب مردم).

رد هرگونه افراطگرائی

در همین پیمان‌نامه می‌توان اسناد دیگری را ضمیمه کرد. هر سند جدید باید پس از بحث و تبادل نظرهای لازم توسط همه نیروهائی که حول سندِ مشترکِ اول گرد آمده‌اند، به تصویب رسیده، امضا شده و رعایت آن برای همه لازم‌الاجرا باشد. برای مثال، سند دوم می‌تواند «سند رد هرگونه افراطگرائی» باشد. در این سند می‌توان سیاست‌ها، روش‌ها، رفتارهای ضد دموکراتیک را که آن جمع قبول ندارد اعلام کرد و از اعضا و هواداران خود خواست از چنین رفتارهائی دوری کنند. ناقضین سند دوم، جدا از اینکه چپگرا یا راستگرا باشند «افراطی» تلقی شده و نمی‌توانند در صف مبارزه نیروهای دموکراتیک جائی داشته باشند.

برای آنکه مطمئن بود که افراطگرائی نتواند پیشبرد مبارزه با جمهوری اسلامی را مختل کند، می‌توان «سند رد افراطگرائی» را که «ممنوعه‌ها» را مشخص می‌کند به عنوان مُتمم و همراه با سند پایه و اساسی منتشر نمود.

به همین ترتیب می‌توان به تدریج و بر اساس ضرورت، سندهای جدیدی تنظیم کرد تا همه ابزارهای لازم را که یک گروه در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و دوران گذار نیاز دارد تکمیل نمود. یک کارگروه تخصصی متشکل از حقوقدانان می‌توانند تنظیم اسناد را به عهده بگیرند، به نحوی که تنظیم سندهای جدید، تناقضی با سندِ پایه‌ای نداشته باشند. برای مثال سندِ دیگر می‌تواند «امور آئین‌نامه»ای مانند چگونگی پیوستن به آن گروه، روند کار، روال برگزاری جلسات، شرایط عضوگیری، روند تصمیم‌گیری، روند اعتراض و رسیدگی به شکایات در درون آن گروه، روند خروج از آن گروه، روند اخراج از آن گروه و... را مشخص کند.

بر همین اساس سندِ دیگر می‌تواند «تقسیم کار و مسئولیت‌ها» را مشخص کند. در این سند می‌توان رهبر یا رهبری جمعی را مشخص کرد و نام برد و حوزه مسئولیت او یا آنها را مشخص کرد، سخنگو یا سخنگویان و مسئولیت‌های آنان را مشخص کرد، کارگروه‌های تخصصی و مسئولین آن و وظایف آنها و روند کارشان را مشخص نمود. سندِ دیگر می‌تواند شرایط جذب ریزشی‌ها از رژیم یا نوع ارتباط با آنها را تعریف و مشخص کند. سند دیگر می‌تواند نوع رابطه با دولت‌ها یا نهادهای خارجی و بین‌المللی را مشخص کند و...

همه مواردی که در بالا به آن اشاره شد موضوعاتی هستند که بطور واقعی ذهن ایرانیان، رسانه‌های ایرانی و گروه‌های مختلف ضد جمهوری اسلامی را به خود مشغول کرده و بطور روزمره و فرسایشی از همه آنانی که خواهان عبور از جمهوری اسلامی هستند وقت و انرژی می‌گیرد. دقیقا همین موضوعات هستند که توسط افراطگرایان به آنها دامن زده شده و می‌توانند در خلاء مبهم بودن پاسخ صریح و روشن شخصیت‌ها و رهبرانِ جریان‌های سیاسی به این موضوعات، تفرقه ایجاد کنند. درواقع کمبودهای ساختاری در فعالیت گروه‌های مختلف اپوزیسیون ایرانی در چهار دهه گذشته باعث شده تا افراطگرایان از حفره‌های موجود استفاده و تفرقه ایجاد کنند. تا زمانی که ساز و کاری پیدا شود که بتوان بر اساس آن با افراطگرائی بطور ساختاری و سیستماتیک مبارزه کرد، این وظیفه ملی همه ایرانیان است که با آن مبارزه کرده و بطور خاص این مسئولیتِ رهبران جریان‌های سیاسی- اجتماعی است که باید به صراحت و به سرعت، و نه بطور تلویحی و هر از چند گاه، رفتارهای افراطگرایانه را تقبیح و محکوم کنند.

در عالم فرض اگر جمع و گروهی متشکل از نیروهای دموکراتیکِ باورمند به نجات ایران تشکیل شود، تنظیم «سند رد هرگونه افراطگرائی» کمک می‌کند تا نیروهای هوادارِ هر یک از اعضا آن گروه نتوانند خارج از نزاکت و چهارچوب‌های اخلاقیِ آن پیمان‌نامه اقدام کرده و اگر هم اقدام کنند به دلیل آنکه معیاری برای سنجش رفتار آنها وجود دارد، می‌توان به استناد به آن سند و آن پیمان‌نامه بر موارد مشخصی که نقض شده انگشت گذاشته و خواهان پایان آن شده و در صورت ادامه، می‌توان نماینده آن جریان فکری را از آن گروه اخراج نمود. کاملا مشخص است که چنین روندی باید بطور دقیق در یک آئیین‌نامه تنظیم شده و همه اعضا گروه و یا اعضای جدیدی که بعدا به آن می‌پیوندند آن را امضا کنند.

شعارهای افراطی

افراطگرایان دشمن همبستگی نیروهای مخالف جمهوری اسلامی بوده و تلاش می‌کنند تا با شرکت در تجمع یا تظاهراتِ نیروهای مختلف، با طرح شعارهای تفرقه‌افکنانه و افراطی، تجمعات را بهم ریخته و به بیراهه کشانده و در بین مردمی که به تازگی به مبارزه علیه جمهوری اسلامی وارد شده‌اند سرخوردگی و ترس ایجاد کنند. افراطگراها خواسته‌های خود را در شعارهایشان فرموله می‌کنند. به چند نمونه زیر توجه شود:

"مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر"
"نه سلطنت نه رهبری، دموکراسی برابری"
"شاهزاده، آقازاده، قدغن قدغن"
"مرگ بر سه فاسد، ملا چپی مجاهد"
"رهبر ما پهلویه، هر کی نگه اَجنبیه"

مبارزه برای یک ایران آزاد و دموکراتیک یک پروسه است وبه بازسازی فرهنگ نیاز داشته و زمانبَر است. چنین مبارزه‌ای از همین حالا و قبل از سرنگونی جمهوری اسلامی شروع می‌شود و نه پس از آن! در چنین مبارزه‌ای باید مشخص کرد آنانکه نفرت‌پراکنی می‌کنند، آنانکه بر طبل انتقام و انتقامگیری می‌کوبند، آنانکه بطور فیزیکی و کلامی دست به خشونت علیه مخالفان فکری و سیاسی خود می‌زنند، آنانکه در برخورد با مخالف خود شعار مرگ بر... سر می‌دهند، آنانکه هوچیگری کرده و جار و جنجال برپا می‌کنند، آنانکه تمامیت‌خواه بوده و دیگران را حذف کرده و می‌خواهند نظام مورد نظر خود را به کرسی بنشانند، آنانکه شایعه‌پراکنی می‌کنند، آنانکه اتهام‌های بی‌پایه و اساس علیه افراد یا گروه‌ها انتشار داده یا بازنشر می‌دهند، چنین افرادی «افراطگرا»های واقعی بوده و جائی در بین نیروهای دموکراتیک ندارند. این وظیفه شخصیت‌ها و نیروهای دموکراتیک است که هرچه روشن‌تر افراطگراها را از صفوف خود بیرون کنند.

منابع بخش اول:

مرکز آموزش سیاسی آلمان
واژه‌نامه سیاست درباره چپ افراطی
واژه‌نامه سیاست درباره راست افراطی
وبسایت «حفاظت از قانون اساسی آلمان» درباره چپ افراطی
وبسایت «حفاظت از قانون اساسی آلمان» درباره راست افراطی
سیاست برای دانش‌آموزان
مرکز آموزش سیاسی آلمان درباره نظام‌های سیاسی
منبع گرافیک :گروه پژوهشی جهان‌بینی‌ها / آلمان

بازنشر همراه با عکس و پردازش: کیهان لندن